

فتح الاسلام

در نمک خوابیده های

اسرائیل و امریکا

آ. سافارین- سووتسکایا راسیا- ترجمه م. شیزلی

با آغاز درگیری های نظامی میان ارتش لبنان و شورشیان گروه «فتح الاسلام» که، پایگاه آنها در اردوگاه «نهرالبارد»، در نزدیکی شهر تریپولی واقع است، مردم اردوگاهی را که هدف آتش توپخانه و تانکها بود، ترک می کردند. بخش اعظم آنها به اردوگاه «بداوی»، اردوگاه دوم پناهندگان در نزدیکی تریپولی روی آوردند. در این اردوگاه ۱۵ هزار پناهنده زندگی می کنند.

حداقل بیش از بیست سال، چنین درگیری که «فتح الاسلام» آن را مناقشه فلسطین- لبنان می نامد، اتفاق نیافتاده بود. این گروه نه چندان بزرگ و کمتر شناخته شده، ماه نوامبر سال گذشته از سازمان «فتح الانتفاضه» منشعب شد. خود سازمان «فتح الانتفاضه» نیز، در سالهای دهه ۸۰ از سازمان «فتح» جدا شده است. به عقیده منابع فلسطینی «فتح الاسلام» با القاعده ارتباط دارد.

۲۵۰ نفر از اعضای «فتح الاسلام»، در حدود یک سال پیش از عراق به لبنان آمده اند. از همین رو، بخش بزرگ جنگجویان «فتح الاسلام»، فلسطینی نیستند. اتباع اردن، عربستان سعودی، یمن، مصر، مراکش و همچنین لبنان در صفوف آنها هستند.

دولت لبنان پس آغاز درگیری ها، با صدور اطلاعیه ای، اعلام کرد که، سازمان امنیت کشور سوریه، از سازمان «فتح الاسلام» برای متشنج کردن اوضاع داخلی لبنان استفاده می کند. به دنبال آن، دولت لبنان از حمایت کامل دوستان غربی خود برخوردار گردید. جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، سوریه را مسئول مستقیم این حوادث دانست و اعلام کرد که: «شکی نیست که سوریه در حوادث لبنان دخیل است. اما، من برای متهم کردن سوریه باید اطلاعات کاملی داشته باشم». یعنی، با اینکه آمریکاییها فاقد اطلاعات کامل هستند ولی، شکی در دخالت سوریه ندارند. آمریکا و انگلیس قبل از اشغال عراق هم، به بهانه های تبلیغاتی تقریبا مشابهی متوسل شدند. در مورد وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق، اطلاعات دقیقی نداشتند. اما، یقین داشتند که بغداد چنین سلاحهایی را در اختیار دارد. ولی، پس از اشغال عراق، خیلی زود معلوم شد که همه این اتهامات بی اساس بوده است. اما دیگر، آنچه که نباید روی می داد، اتفاق افتاده بود.

حوادث پیرامون لبنان نیز درست در همان مسیر پیش می رود. در حالی که، هیچ گونه سند و مدرکی ندارند، در مورد رابطه «فتح الاسلام» با «القاعده» و سوریه تائیدات فراوانی ارائه می دهند. همچنانکه هیچ دلیلی برای آغاز درگیری مجدد ندارند.

لازم به یادآوری است که، گویا غوغا، پس از آنکه پلیس، درصدد دستگیری چند نفر فلسطینی در اردوگاه «نهرالبارد»، به بهانه سرقت از بانک، برآمد، شروع شد. در هر حال خود این موضوع که، مسئله ای مقاومت در مقابل دستگیری چند نفر باعث یک جنگ تمام عیار سه روزه با استفاده از تانک و توپ شده باشد، مشکوک است. چنین استنباط می شود که ریشه این بحران نیز، همچون همه دشواریهایی که دامن گیر لبنان شده است، از خارج آب می خورد. خصلت مشابه حوادث لبنان و فلسطین بخودی خود جالب توجه است. درگیری مسلحانه بین گروههای فلسطینی بدون هیچ دلیلی آغاز شد و پس از آن، شهر سیدروت اسرائیل هدف موشکهای دست ساز «قسام» قرار گرفت که، در پی آن، نیروی هوایی دولت اسرائیل «جواب آتش» را داد. و تقریبا بلافاصله بعد از اینها، (باز هم بدون هیچ دلیل

خاصی) درگیری بین یک گروه تندرو در یکی از اردوگاههای فلسطینی با ارتش لبنان شروع شد. آیا این یک روی داد اتفاقی بود؟ احتمال نمی رود!

بسیار محتمل است که، سازمانهای امنیتی غرب و متحد اسرائیلی آنها، صحنه گردان این بازیها باشند. آنها، از مدتها پیش، برای اجرای عملیات تروریستی، به تشکیل گروههای تندرو مشغول هستند که بلافاصله مسئولیت حادثه را به عهده طرفی می اندازند که هیچ ارتباطی با این گروهها ندارد. مثلاً، سازمان «اخوان المسلمین» که در بسیاری از کشورهای خاور نزدیک به عنوان یک گروه تروریستی شناخته می شود، دارای دفتر نمایندگی در انگلستان بوده و برای اعلام مواضع خود، از رسانه های جمعی این کشور استفاده می کند. در واقع، اعمال «فتح الاسلام»، نمونه کلاسیک استفاده از اقدامات تروریستی در جهت منافع غرب می باشد.

مسئله اینجاست که، «تروریسم بین المللی»، بر خلاف آنچه که گفته می شود، نه بر علیه منافع غرب، بلکه، بر عکس، درست بر علیه آن کشورهایی که مخالف تجاوزگریهای آمریکا و متحدان خاورمیانه ای آنها هستند، مورد بهره برداری بسیار مؤثری قرار می گیرند. پیش از همه، سوریه، یکی از این کشورهاست. اما، کشورهای عربستان سعودی، یمن، مصر و الجزایر با اینکه ظاهراً سیاست مستقل خود را پیش می برند، دوستان آمریکا محسوب می شوند. (سایت فرقه دمکرات آذربایجان ایران)

راه توده ۱۳۵ ۱۱,۰۶,۲۰۰۷